info@payamdaily.ir

پیام آشنا

نخستین روزنامه صبح البرز

شماره ۱۴۲۴
سه‌شنبه / ۲۵ تیر / ۱۳۹۸
۱۳ / ذی القعده / ۱۴۴۰
16 / Jul/ 2019

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: بافرده حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کافون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۵۳۸۳۸-۳۲۵۳۴۲۴۳-۰۲۶ فکس: ۳۲۵۵۳۸۳۸
فکس اینترنتی پیام آشنا: ۸۹۷۸۶۷۲۹-۰۲۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۴۲/۴۶
چاپ: کارگر

کافه پیام

برای انعکاس نظرات و گلایه ها و پیشنهادات خود درباره مسائل البرز با پیام آشنا تماس بگیرید

۳۲۵۵۳۸۳۸
۳۲۵۴۱۴۹۵
۰۹۰۱۴۰۴۸۳۳۳

با شعرای کرج

خواب من

در خواب من
دخترک معصومی است
که موهای تو را می بافد
دو خوشه ی خرما
سرازیر شده از ایستادگی ات
و رودی خروشان
که هر شب روز و کودک معصوم را
در موج های بی رحم اش
غرق می کند
دستان کوچک کودک
چشمانی منتظر
تنفس های واماندهای
وانتظار دیدار
دیدار حتی به هنگام وداع
سرزمین من اینگونه است
جایگاه بلند حضور تو
تکه پاره هایی که هر کدام
داستان مرموز خویش را
زمزمه می کنند
در طول سالیان سالخوردگی هایشان
گفتم: وطنم وطنم
واین سرزمین سالخورده
دستان کودکی را نشانم داد
که در عمق موج های خسته
به ریشه های درختی کهنه و پوسیده
چنگ میدانداختن بودند
من در خوابم
کودک هنوز موهای تو را می بافد
و خرما، خرما دهانم را شیرین میکند
واحساس می کنم
وطنم مجمع الجزایری
از بوسه های گاه و بیگاه توست
در بیداری و خواب

بهروز رحیمی

خبرچه

گوته و حافظ

نام دیوان غربی ـ شرقی گوته برای ما ایرانیان نامی آشناست و به گواه یکی از مترجمان فارسی دیوان، حتی آشناتر از نام West-Östlicher Divan نزد آلمانیها شرح پناه بردن گوتهی پیر و جنگزده به «روح بلند حافظ» که «حافظی ملست»، بارها گفته شده است اما در دو دهه اخیر با رونق بحث‌های نظری درباره‌ی مفهوم «ادبیات جهان» نام گوته بیشتر به عنوان واضع این مفهوم برده می‌شود دوره‌ی آموزشی ادبیات جهان و گفت‌وگوی ملل (حافظ و گوته) که با تدریس دکتر نوید نادری در مرکز فرهنگی شهر کتاب برگزار می‌شود علاوه بر ارائهی خوانشی از دیوان غربی ـ شرقی، به بافت تاریخی ـ اجتماعی و ادبی آشنایی گوته با شعر حافظ و پاسخ محققان ایرانی معاصر به دیوان گوته می‌پردازد. در این دوره سعی می‌شود با دقت در این بافت شرایط امکان گفت‌وگوی این دو شاعر به شکل دقیق‌تری تبیین شود.

سرفصل‌های این دوره‌ی آموزشی شش جلسه‌ای به این شرح‌اند: «مقدمه: جستجوی نخستین زبان بشری و نهضت ترجمه‌ی متون شرقی»، «بافت تاریخی ـ اجتماعی مواجهه‌ی ادبی گوته با حافظ: تنش ادبیات ملی و ادبیات جهانی»، «بررسی آرای برخی محققان ایرانی درباره‌ی دیوان غربی ـ شرقی»، «خوانش دیوان غربی ـ شرقی (اشعار)»، «خوانش دیوان غربی ـ شرقی (یادداشت و مقالات)» و «جایگاه زبان عربی در ادبیات اروپای قرون میانه: نگاهی دیگر به تاریخ گفت‌گوهای غربی ـ شرقی».

دوره‌ی «حافظ و گوته» در روزهای دوشنبه ساعت ۱۵ تا ۱۷ برگزار می‌شود. آغاز آن ۲۸ مرداد است و علاقه‌مندان برای حضور در این دوره‌ی آموزشی می‌توانند تا ۲۰ مرداد در ساعات اداری به مرکز فرهنگی شهر کتاب واقع در خیابان شهید بهشتی، نبش کوچه‌ی سوم، مرکز فرهنگی شهر کتاب مراجعه کنند و برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره‌های ۸۸۷۲۳۳۱۶ و ۸۸۷۱۷۴۵۸ تماس بگیرند.

امروز با حافظ

خدا را کم نشین با خرقه پوشان
رخ از رندان بی‌سامان مپوشان
در این خرقه بسی آلودگی هست
خوشا وقت قبای می فروشان

خوش

عجب از عشق که هر کس روایتی دارد
از این گدازه‌ی آتشفشان در فوران
خموش باش که با دیگران نمی‌گویند
رموز تجربه وحی را پیامبران

فاضل نظری

اذان صبح ۰۴:۰۹ | **طلوع آفتاب** ۰۵:۵۷ | **اذان ظهر** ۱۳:۱۲ | **غروب آفتاب** ۲۰:۲۶ | **اذان مغرب** ۲۰:۴۶

برگه

تنها کسانی تحقیر می شـوند که بگذارند تحقیرشان کنند.

الکس هیل

گزارش

حمایت استاد از محرومان از تحصیل

دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی استاد برجسته زبان و ادبیات فارسی عواید فروش مجموعه دو جلدی «تذکرةالاولیا» را به کودکان محروم از تحصیل واگذار کرد و این اتفاق با واکنش‌های تحسین آمیزی در شبکه‌های مجازی روبه‌رو شد

به گزارش پیام آشنا، استاد برجسته ادبیات در سفر اخیر خود به مشهد مقدس ضمن شرکت در جشن موسسه خیریه دارالاکرام که حامی کودکان محروم‌اند، از تحصیل است این تصمیم را گرفت. انتشار «تذکرةالاولیا» یکی از آرزوهای مهم دکتر شفیعی کدکنی به حساب می‌آمد که سرانجام در نمایشگاه کتاب تهران منتشر و با استقبال قابل توجه مخاطبان روبه‌رو شد. این اثر دو جلدی در حالی به یکی از آثار پرفروش نمایشگاه بدل شد که قیمت پشت جلد آن ۳۰۰هزار تومان است و براساس آمارهای اعلام شده مدیران انتشارات سخن حدود ۱۵۰۰ دوره از این کتاب فقط در روزهای نمایشگاه به فروش رسیده است. دکتر کدکنی برای تگارش این کتاب سال‌ها وقت گذاشته و تمام نسخه‌های موجود را گردآوری و مقابله کرده و سپس به تصحیح اثر بزرگ عطار نیشابوری پرداخته است. دکتر شفیعی کدکنی در مقدمه این کتاب درباره اهمیت این اثر و تصحیحش نوشته است: تذکرةالاولیا کتابی است که به دو گونه می‌توان آن را خواند: هم مثل کتاب حسین کُرد قابل خواندن است هم مانند تراکتاتوس ویتگن اشتاین. در قرائت نخستین کافی است چشم خود را روی سطرها سفر دهیم و حوادث را دنبال کنیم، که مثلا چگونه حلاج را بر دار کردند؛ یا وقتی به گفتاری از توح سخن جنید دریاره اخلاص رسیدیم که می‌گوید: «فُرض فی فرض و فَرض فی تقل»، بگوییم «اَری همان است که من می‌فهمم. مقصودش لابد شیرینی ثَقل است» و یا مراجعه به فرهنگ عمید معنی کلمات آن را به دست آوریم. در قرائت دوم، روی هر سطر، گاه می‌توان روزها اندیشید. درست است که اینجا قاموروزبان ارجاعی و بیان منطقی تیست اما در همین زبان عاطفی و هنری هم ظرایفی وجود دارد که فهم آن ظرایف گاه به اندیشیدن بسیار نیاز دارد و به دانسته‌های بسیاری در حوزه معارف اسلامی. در این قرائت دوم یک فعل یا حرف اضافه‌ای که همراه آن فعل به کار رفته است می‌تواند روزها وقت مصحح کتاب و خواننده جدی آن را بگیرد.

استاد برجسته ادبیات ایران در بخش دیگری از مقدمه خود نوشته است: من ادعا ندارم که تمام پرسش‌های خواننده جدی را پاسخ گفته‌ام ولی متجاوز از ۴۰ سال، یکی از مشغله‌های ذهنی من فهم عبارات این کتاب و تصحیح آن بوده است. بارها و بارها آن را در دوره دکترای ادبیات فارسی دانشگاه تهران به دانشجویان درس داده‌ام و متوجه شده‌ام که بسیاری از دانشجویان دوره دکترا هم آن را مانند کتاب حسین کُرد مطالعه کرده‌اند. دانشجویان دوره دکترای دانشگاه تهران که با فاصله چشمگیری نسبت به اقران خودشان در دانشگاه‌های دیگر قرار دارند و به راستی برترین استعدادهای این رشته‌اند.

گزارش

آرزویم بازگشت شعر به بطن زندگی مردم است

«ترانه‌های گمشده در کوچه‌های باد» مجموعه شعری تازه از محمود معتقدی، شاعر و منتقد ادبی است. مجموعه‌ای در هیر گیرنده تزدیک به ۸۰ عنوان شعر در قالب سپید انتشارات آزادمان آن را منتشر کرده است.

مجموعه شعر تازه‌ام دربر گیرنده شعارهای با مضامین اجتماعی و عاشقانه است که در قالب سپید چای می‌گیرند. البته خودم آنها را کوتاه‌نوشته‌هایی می‌دانم که سروده‌های دو سال اخیرم را دربرمی‌گیرند. همواره تلاش می‌کنم در تعامل با جوانان از آنان بیاموزم تا به فضای بهتری در فرم و زبان در اشعارم دست پیدا کنم. کاری که در همین راستا در مجموعه مذکور انجام داده‌ام افزودن بر ضرباهنگ و از سویی ضربه‌های انتهایی اشعار است. در قالب این شعرها تلاش کرده‌ام مخاطبان را متوجه برخی فضاهایی کنم که هم در فضای اجتماعی و هم در فضای عاشقانه در جامعه‌مان می‌گذرد. حالا که بحث فضای اجتماعی و شعر به میان آمد بگذارید تیم نگاهی هم به وضعیت شعر امروز داشته باشم.

بخش مهمی از ادبیات سرزمین‌مان حل و روز خوبی ندارد. این مسئله را می‌توان از ابعاد مختلفی بررسی کرد. یکی از جهت، شرایط نامطلوب اقتصادی که کل نشتر را گرفتار کرده و متاسفانه بیشترین آسیب آن هم متوجه شعر کرده، و دیگری از جهت افت کیفی اشعار که از بی توجهی جوانان و عبور گذرای آنان از دانسته‌های شعر و ادب فارسی نتشأت می‌گیرد. البته در همین اوضاع و احوال هم کم نیستند شاعران جوانی که هم به مضمون توجهی ویژه دارند و هم به فرم و ساختار آن. منتهی تا جایی که من پیگیری کردم، معمولا سروده‌های امروز در دو بخش جای می‌گیرند: بخشی که عمده توجه آن به محتوا بوده، و دیگری که فرم و قالب برای آن در اولویت است. این در حالی است که اگر خواهان بهبود وضعیت کیفی شعر هستیم هر دو اینها باید کنار هم قرار بگیرند؛ به گمانم در این شرایط وظیفه مهمی به گردن متولیان فرهنگی به ویژه در وزارت ارشاد است. مسئولان این وزارتخانه باید در تعامل با اهالی رسانه و اساتید ادبیات دست به آسیب شناسی بزنند و ببینند مجموع چه عواملی منجر به آن شد که بخش مهمی از فرهنگ‌مان که ایران به واسطه‌اش در دنیای ادبیات مطرح شده حالا اینچنین از زندگی مردم دور شده است. البته تمی‌دانم می‌توان دوباره شعر را به بطن زندگی مردم باز گرداند یا نه. منتهی این آرزوی من است و امیدوارم که تا بیشتر از این دیر نشده متولیان کاری کنند.

محمود معتقدی

یادداشت اختصاصی

اخبار بد؛ سازگار با ذائقه ایرانی‌ها

امروزه تأثیر فضای مجازی بر جامعه ما یک اصل غیرقابل انکار است و اکثر قریب به اتفاق مردم با این پدیده گسترده سر و کار دارند. تا جایی که بدون اینترنت و فضای مجازی زندگی مردم با چالش‌های گسترده‌ای روبه‌رو می‌شود. دنیای مجازی که ملتمد زندگی واقعی انسان‌ها در آن از سرما تعیی ارزند. تعی خوابند. تقاتعی خورند. اما در حال جایگزینی با دنیای واقعی است و روحیه جامعه کسب و کار و حتی روحیه مردم را تحت الشعاع قرار داده است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از آرمان، یکی از عواملی که در سال‌های گذشته باعث تگرانی صاحب‌نظران شده است، عکس‌العمل‌های مردم به اخبار منتشر شده در این فضا است. خیلی از کاربران شبکه‌های مجازی در کشور به اتفاقات کوچک و بزرگ جامعه (و حتی اتفاقاتی که هزاران کیلومتر دورتر از آنهاست) خیلی سریع عکس‌العمل نشان می‌دهند. هر چند که همان افراد در فضای مجازی ممکن است بی‌پروا تر از دنیای واقعی ظاهر شوند و سخنانی بگویند که در دنیای واقعی به ندرت ممکن است بر زبان آورد اینکه رفتار فرد در فضای مجازی پرده از پنهان‌ترین زوایای ذهنی و روانی شخص بر می‌دارد موضوعی است که در سال‌های اخیر به شدت مورد بحث بوده و مطالعات فراوانی تیز در این باره انجام شده است. گزارش سال ۲۰۱۷ موسسه گالوپ نشان می‌دهد که ایرانی‌ها، عراقی‌ها و مردم سودان، عصبانی‌ترین مردمان جهان هستند و به‌طور قطع یکی از مبتنهای این انتخاب در عکس‌العمل‌های مردم در فضای مجازی بوده است. کارشناسان براین باارند که عصبانیت یا فاکتوریلی مانند ترخ بیکاری و امید جامعه به آینده مرتبط است.

اما فحاشی و عصبانیت مردم در فضای مجازی از کجا سرچشمه می‌گیرد. در کشور ما که هر لحظه با بارش اخبار روبه‌رو هستیم یک کاربر فضای مجازی هر لحظه با صدها خبر مواجه می‌شود که بیش از تیمی از آنها اخبار بد جامعه هستند. طبق تحقیقات میدانی یکی از عوامل این اتفاق در انتشار اخبار بد و تامید کننده در فضای مجازی است که بسیاری از آنها حتی در حد یک شایعه است. اما در عرض یک ساعت هزاران تفر به آن خبر واکنش متفی نتشان می‌دهند و در خیلی از این موارد به فحاشی و توهین کشیده خواهد شد. برای بررسی هر چه بیشتر این موضوع یک روانتشناس به «آرمان» می‌گوید: واکنش سریع مردم به اخبار بد به دلیل گستردگی وقوع جرم و جنایت، اختلاس‌ها و جنگ است و این موضوع تنها به کشور ما بارتمی گردد. شما زمانی که تلویزیون را روشن می‌کنید، روزنامه می‌خوانید و در فضای مجازی اخبار را مرور می‌کنید، دائم در معرض اخبار بد هستید که با آب و تاب ذهن مردم را درگیر می‌کنند. البته رسانه‌ها نیز از ذائقه و روحیه مردم استفاده می‌کنند و اتفاقات خوب را نادیده محل زندگی آنها رخ داده و همواره تگرانی این را دارند که این اتفاق برای خانواده آنها نیز رخ بدهد و دائم کابوس می‌بینند و بر انگیخته می‌شوند و دائم ترس از این موضوع دارند که ممکن است این اتفاق برای خانواده آنها هم رخ بدهد.

زندگی واقعی در تسخیر فضای مجازی

این روانتشناس در ادامه با اشاره به اینکه شما شاید روزنامه نخوانید، تلویزیون نبینید ولی تمی‌توانید از فضای مجازی که امروزه بخش قابل ملاحظه‌ای از زندگی را در تسخیر خود در آورده است، فرار کنید. می‌افزاید: دائم در معرض اخبار غیررسمی و رسمی هستید که ذهن شما را درگیر می‌کند از سوی دیگر بسیاری از مردم ما سواد رسانه‌ای ندارند و متوجه نیستند که اخبار با چه قصد و تیتی بر آن فضا منتشر می‌شود. وقتی تعامل با خط و خوب در فضای رسانه‌ای ما وجود ندارد بر ذهن جامعه تأثیر می‌گذارد.

میل به ترس

عده‌ای از کارشناسان علوم اجتماعی تیز معتقدند در جوامع امروزی با وجود آنکه بشر با ساختن تمدن از خطرات زندگی بدوی ایمن شده، تمایل به ترس همچنان در میان ساکنان شهرها وجود دارد. این تمایل به ترس مسأله‌ای است که به ساختن و پرداختن شایعات در فضای مجازی کمک می‌کند. طبیعتاً آنچه در ما ترسی برمی‌انگیزد چیزی است که به گونه‌ای تفته زندگی ما را تهدید می‌کند. شاید تهدیدی برای جثمان، سلامتی‌مان، دوستی‌مان، روابط‌مان، مقام اجتماعی‌مان و... باشد. ضمن آنکه ما تمایل داریم اطلاعاتی را که چیزی را پر خطر قلمداد می‌کنند معتبرتر و قابل انکاتر از اطلاعاتی بدانیم که آن چیز را کم‌خطر قلمداد می‌کند و فرقی هم تمی‌کند منبع اطلاع رسانی مسئولان و منابع رسمی باشند یا مردم یا گروه‌های دیگر اجتماعی. یک جامعه شتابی اجتماعی تیز در این باره به «آرمان» می‌گوید: متاسفانه ۹۹درصد مردم ما سواد رسانه‌ای ندارند و وقتی پدیده شبکه‌های اجتماعی در کشور ما همه‌گیر شد اعلام کردیم که باید فرهنگ‌سازی و استفاده آگاهانه تسبت به این فضای مجازی را ترویج دهیم. اما همچنان گوش هیچ‌کسی به آن بدهکار تیست. دکتر فرید: انتظاری تسب ادامه داد: وقتی شما از یک موضوع بی‌اطلاع هستید بی‌درنگ تسبت به آن واکنش نتشان می‌دهید. قاعدتاً این واکنش‌ها چون از روی بی‌اطلاع است. متفی و حتی پرخاشگرانه می‌شود. متکل اساسی ما در جامعه به‌دلیل توقعات و امکانات در فضای مجازی و امکانات حقیقی و هنجار در جامعه است که باعث شده بین این دو موضوع شکاف به وجود بیاید و مدیریت درستی برای برکردن این شکاف وجود ندارد و همین امر مردم را به سمت این سازو کارهای نامتجز پیش می‌برد. او ادامه می‌دهد: متاسفانه تربیت در خانواده‌های ما سنتی است و ما فرزندان‌مان را به‌صورت آبرومدارانه تربیت می‌کنیم. این تربیت آبرومدار با تربیت فضیلت محور کاملاً متفاوت است. وقتی این افراد در فضای مجازی که به‌دلیل گمتنامی و امکان مخفی ماندن هویت می‌توانند با یک اکائت جعلی دست به هر کاری بزنند ضعف‌های خود را تتشان می‌دهد و چون آبروی شخص به خطر تمی‌افتد و فضیلت و وجدان شخص تیز مدنظر تیست، می‌تواند سازو کار تماجعاری‌ها را افزایش دهد.

بریده جراید

انسانی بسیار انسانی

اعتماد–تلویزیون تصاویری نشان می‌دهد از مردمانی در آفریقا که در حال کندن پوست یک مار هستند. قرار است با پوست جانور بی‌نوا، برای پولدارها و ثروتمندانی هزاران کیلومتر دورتر، کیف و کفش‌های چند هزار دلاری ساخته شود. غرض از نمایش این قسوات آشکار، انذار به آدمیانی است که برای حفظ و نمایش تمایز خودشان و اثبات برتری‌شان بر دیگران پول‌های کلان خرج می‌کنند، ماشین‌های گرانقیمت و مجلل سوار می‌شوند، در کاخ‌ها و ویلاهای باشکوه زندگی می‌کنند، لباس‌های «برند» می‌پوشند و یک رقم کوچک و ناچیز از خرج و مخارج زندگی‌های پرهزینه‌شان، به قیمت سلاخی وحشیانه جلوفرانی بی‌گناه تمام می‌شود. مجری با سختی به صحنه فرو کردن سیخ در بینی مار بدبخت و سپس پوست کندن او نگاه می‌کند و می‌گوید: «واقعاً غیرانسانی است.»

یکی از آموزه‌های اصلی فلسفه این است که در به‌کار بردن کلمات و مهم‌تر از آن مفاهیم، دقت کنیم و اصطلاحات و واژگان را در جای خود و به‌صورت معنادار به‌کار ببریم. به عبارت روشن‌تر، فلسفه به ما می‌گوید که به هر کلمه و جمله‌ای که می‌شنویم یا می‌گوییم یا می‌خوانیم، با دقت فکر کنیم و توجه کنیم که منظور از این اصطلاح یا عبارت چیست. اگر بخواهیم این توصیه عقلانی و اخلاقی را در خصوص عبارت آقای مجری به‌کار بندیم، به نتایج جالب‌توجهی خواهیم رسید. او در مواجهه با وضعیتی به‌واقع غیراخلاقی و شنیع که همراه است با وارد کردن درد و رنج ناضرور به موجودی حیاتمند، آن را «غیرانسانی» می‌نامد. معنای سخن او چیست؟ آیا بدین معناست که انسان به‌ما هو انسان، چنین کاری نمی‌کند، یا مراد او این است که انسان به‌ما هو انسان، نباید چنین کار زشت و ناپسندی بکند؟

این دو جمله با یکدیگر متفاوتند: اولی به تعبیر دیوید هیوم، فیلسوف شهیر اسکاتلندی، واجد گزاره ناظریه «هست» است: یعنی واقعیت را توصیف می‌کند، اما دومی واجد گزاره ناظریه «باید» است: یعنی هنجاری را بیان می‌کند. مبنی بر اینکه آدم، از آنجا که آدم است، نباید چنین کاری بکند. هیوم می‌گفت میان این دو نوع گزاره، یعنی گزاره‌های توصیفی (ناظریه هست) و هنجاری (ناظریه باید)، ربط و نسبتی برقرار نیست، اما فعلاً به ارتباط این دو نوع گزاره کاری نداریم. به باور نگارنده نکته مهم‌تر آن است که هر دو معنای عبارت فوق غلط است: یعنی هم این جمله که «انسان از آنجا که انسان است، مرتکب کار زشت سلاخی حیوانات برای امری تزیینی نمی‌شود» و هم این جمله که «انسان از آنجا که انسان است، نباید این کار زشت را بکند».

«انسان به‌ما هو انسان، این کار زشت را نمی‌کند» غلط است: به این دلیل که به گواه تاریخ، اتفاقاً در میان موجودات زنده، تنها انسان است که چنین کارهای زشت و شنیعی انجام می‌دهد. کدام حیوانی موجودات زنده دیگر را برای یک خواسته واقعاً ناضرور می‌کشد؟ اتفاقاً این شرور اخلاقی تنها از انسان سر می‌زند و گرنه سایر موجودات زنده اگر هم یکدیگر را می‌خورند یا می‌کشند، کاملاً غریزی و برای تأمین نیازهای اولیه‌شان است، نه برای تفریح، سرگرمی، گسترش قدرت یا بر سر اختلاف عقیده به عبارت دقیق‌تر، تقریباً همه خطاهای مذکور فقط از انسان سر می‌زند و بنابراین بهتر بود مجری، در برابر جنایت مذکور چنین می‌گفت: «واقعاً انسانی است.» زیرا تنها انسان است که اقداماتی چنین، رذیلانه از او سر می‌زند.

اما جمله دوم، یعنی «انسان به‌ما هو انسان، نباید این کار زشت را بکند» غلط است: زیرا فقط انسان را مکلف کرده است به انجام ندادن یک عمل ناپسند، در حالی که امر مطلق اخلاقی، یعنی نکشتن دیگر موجودات زنده به‌خصوص به دلایل ناضرور، در هر حالتی و برای هر موجود صاحب اختیاری ناپسند است. به عبارت دیگر، مشکل اولیه تعبیر بالا این است که تنها انسان را مختار فرض می‌کند: حال آنکه ما هیچ دلیلی (جز شواهد ناکافی) نداریم که موجود مختار دیگری در هستی نباشد. مشکل مهم‌تر این است که به نحو مضمر و ناگفته انسان را برتر از سایر موجودات درنظر می‌گیرد و به او جایگاهی فراتر از سایر موجودات اختصاص می‌دهد: فرضی که شاید در وهله اول چندان مهم به‌نظر نیاید. در ادامه، این «خودبرتربینی انسان» یا حتی «خودمعجزانگاری او از سایر موجودات» پیامدهایی ناگوار برای کل جهان هستی و از جمله طبیعتی دارد که انسان را نیز فرا می‌گیرد: بنابراین به نظر می‌آید بهتر است در برابر رویداد مذکور بگوییم «متسفانه این عمل یعنی کشتن مارهای بیچاره برای تفریح و سرگرمی یا ارضای جاهطلبی، اقدامی انسانی اما سخت غیراخلاقی و ناپسند است.»

از تمام خوانندگان پیام آشنا می خواهیم، یکی از مهم ترین مشکلاتی که در محله ی زندگی خود یا آن دست به گریبان هستید برایمان پیامک کنید تا در ستون «پیامک های وارده» با نام تان–در صورت تمایل– منتشر شود.

SMS
۰۰۹۸۹۲۰۰۰۰۰